

گزارش چهاردهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان

مجله محترم کانون وکلا

کنگره اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان که در منرویا (پایتخت
لیبریا) تشکیل یافته بود در تاریخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۶۷ اینجانب را
باتفاق آراء بریاست آن اتحادیه انتخاب کرد .
گزارش کنگره را بضمیمه نطق خود در جلسه ۲۴ ژوئیه برای چاپ
تقدیم میدارد . با احترام .

۱- گزارش اداری

چهاردهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان در تاریخ ۱۹ ژوئیه ۱۹۶۷
(مطابق با ۲۸ تیر ۱۳۴۶) در شهر منرویا پایتخت لیبریا تشکیل یافت . اتحادیه بین‌المللی
زنان حقوق‌دان که اکثر زنان ۶۴ کشور جهان در آن عضویت دارند یکی از سازمانهای غیردولتی
وابسته سازمان ملل متحد است و تصمیمات این اتحادیه برای شورای اجتماعی و اقتصادی
سازمان ملل جنبه مشورتی دارد .

اینجانب در کنگره ۱۹۶۴ این اتحادیه که در دهلی نو تشکیل یافته بود به‌نایب‌رئسی
اول انتخاب شدم و با همین سمت و با سمت رئیس اتحادیه ایرانی زنان حقوق‌دان در کنگره
اخیر شرکت کردم . نمایندگان بسیاری از کشورهای از جمله سوئد ، آمریکای شمالی ، فیلیپین
لیبریا ، اسرائیل ، چین ملی ، لبنان و غیره در این کنگره شرکت کرده بودند و چون محل

کنگره در افریقای غربی بود نمایندگان اکثر کشورهای افریقا شرکت در این کنگره را مغتنم شمرده بودند و حتی کشور غنا که عضو اتحادیه نبود برای شرکت در کنگره عضویت اتحادیه را پذیرفت .

چون رئیس وقت اتحادیه خانم دکتر آنجی بروکس اهل لیبریا بود و کنگره هم معمولاً در کشور رئیس اتحادیه تشکیل میشود کنگره در لیبریا تشکیل یافت . خانم دکتر بروکس گذشته از ریاست وقت اتحادیه، معاون وزارت خارجه لیبریا و معاون شورای قیمومت سازمان ملل نیز هست .

کنگره اتحادیه که هر دو سال یکبار تشکیل مییابد دو وظیفه اساسی دارد یکی انتخاب رئیس و هیئت اجرائیه و دیگری بحث و تحقیق درباره مسائل حقوقی و گزارش نتیجه این تحقیقات به سازمان ملل و چون خود اتحادیه وابسته به سازمان ملل است رئیس و هیئت اجرائیه هم به سازمان ملل معرفی میشوند .

معاون ریاست جمهور و وزیر امور خارجه و شهردار شهر منرویا (پایتخت لیبریا) و جمعی از معارف لیبریا در افتتاح کنگره اتحادیه شرکت کرده بودند . سازمان ملل نیز برای ترجمه سخنان نمایندگان سه مترجم فرستاده بود (زبان رسمی کنگره هم همان زبانهای رسمی سازمان ملل متحد است) .

حضرت رئیس جمهور لیبریا و بانو هنگام افتتاح کنگره در لندن بودند و بهمین مناسبت معاون رئیس جمهور با اعلام قبلی خانم دکتر بروکس رئیس اتحادیه بنام رئیس جمهور کنگره را افتتاح کرد . هنگامی که حضرت رئیس جمهور و بانو به لیبریا بازگشتند دو بار اعضاء اتحادیه را به حضور پذیرفته و در مجالس ضیافتی که باشکوه و باوقار بود برای سالگرد صد و بیست و یکمین سال استقلال لیبریا تشکیل شد اعضاء اتحادیه را دعوت فرموده و بسیار مورد عنایت و تکریم قرار دادند .

استقبال دولت لیبریا از این کنگره بسیار مجلل بود و در روزنامه های لیبریا اخبار این کنگره را هر روز به اطلاع عامه مبرسانند . زبان رسمی لیبریا زبان انگلیسی است و مردم مخصوصاً هیئت حاکمه به ترویج و توسعه مطالب علمی و اجتماعی اهتمام کامل دارند .

روزنامه های لیبریا ورود اینجانب را نوشتند و رادیو و تلویزیون مونرویا هم در ضمن اخبار خبر ورود اینجانب را با جمعی از خدمات فرهنگی و اجتماعی اینجانب اعلام کردند و عکس اینجانب را هم تلویزیون منرویا نشان داد .

تحلیلی که دولت و ملت لیبریا از نماینده ایران کردند در واقع تجلیل از شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شاه بانو و ایران ما بود .

اینجانب برای بسیاری از نمایندگان (که از دوستان و همکاران قدیم من هستند) هدایایی

همراه برده بودم. بدیهی است این هدایا علی‌قدرمهدیها بسیار ناچیز بود ولی چون احساس باطنی باید با نشانه‌ای خارجی همراه باشد اینجانب هدیه را نشانه خارجی احترام و ارادت دانستم. هدیه‌ای که هم از نظر واقع و هم از نظر معنی و باطن بسیار ارزنده و گرانمایه و چنان بزرگ بود که میتوانست هدیه دوستی و برادری ملتی به ملت دیگر باشد تمثال مبارک شاهنشاه آریامهر و علیا حضرت شه‌با نو و والا حضرت ولیمهد گرامی ایران بود که به نمایندگان اتحادیه تقدیم شد و اینجانب از وزارت اطلاعات و شرکتهای عامل نفت بسیار متشکرم که تمثال مبارک همایونی و مطبوعات معروف وطن عزیز و نقشه نفیس ایران را در اختیار اینجانب گذاشتند. تعدادی تمثال مبارک علیا حضرت شه‌با نو نیز به اعضاء اتحادیه اهداء شد و رئیس وقت اتحادیه خانم دکتر بروکس آن تمثال را که در قاپی از خاتم بود زیور اطاق پذیرائی خود کرد.

دوره کنگره از ۱۹ تا ۲۷ ژوئیه ادامه داشت و در ۲۷ ژوئیه کمیته انتصابات اتحادیه اینجانب را برای ریاست اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان و خانم دکتر بروکس رئیس وقت را برای نمایندگی پارلمانی اتحادیه و نماینده نیجریه را برای نمایندگی اتحادیه در سازمان ملل متحد و یکی از نمایندگان امریکا را برای خزانه داری و یکی از نمایندگان اسرائیل را برای دبیر کلی و نماینده سوئد را بعنوان منشی و نماینده هند را سردبیر و یکی از نمایندگان امریکا را بعنوان مخبر و نواب رئیس را بشرح ذیل معرفی کرد.

نماینده مالزی	د	نایب رئیس اول
فیلیپین	د	د
چین ملی	د	دوم
لبنان	د	د
انگلستان	د	سوم
استرالیا	د	د
سیلان	د	د
برزیل	د	د
لیبریا	د	د
فرانسه	د	د
		چهارم
		پنجم
		ششم
		هفتم
		هشتم
		نهم
		دهم

دوماون دبیرکل را از امریکا و دبیرهای منطقه‌ای را برای افریقا و آسیا و استرالیا و آمریکای مرکزی و اروپا و خاورمیانه و آمریکای شمالی معرفی کرد.

گزارش کمیته انتصابات اتحادیه درباره هر یک از این برگزیدگان بسیار جامع بود و گزارش این کمیته (که خود اینجانب در آن شرکت نکرده بودم) درباره اینجانب شامل سوابق و مدارک تحصیلی و خدمات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بود که این کمیته چنان این سوابق را

فراهم آورده بود که دقت و اطلاع آن خود مرا به حیرت می افکند و تجلیل این کمیته از اینجانب بقدری مشوق بود که اینجانب را شرمنده لطف و عنایت خود کرد . اعضاء کنگره با توافق آراه (البته خود اینجانب در رأی شرکت نکردم) به ریاست اینجانب رأی دادند و نماینده لیبریا نتیجه را با اطلاع وزارت امور خارجه خود رسانید و وزیر امور خارجه نیز به مجرد اطلاع موضوع راتلگرافی به سازمان ملل گزارش داد فردای همان روز حضرت رئیس جمهور اینجانب و سایر اعضاء هیئت رئیسه را به کاخ ریاست جمهوری دعوت فرمود و هنگام معرفی ، اینجانب تمثال مبارک شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو را همراه با هدایائی که از ایران همراه برده بودم به حضرت رئیس جمهور و بانو تقدیم کردم .

حضرت رئیس جمهور لیبریا در انگلستان و آمریکا تحصیل کرده و دکترا در حقوق است و از سال ۱۹۴۳ تا کنون سه بار بدین سمت انتخاب شده است . با آنکه لیبریا نسبت به کشورهای دیگر آفریقا از لحاظ مساحت کوچک است (این کشور دارای چهل و سه هزار میل مربع مساحت و دو میلیون و پانصد هزار جمعیت است) نفوذ معنوی و قدرت ارشاد و اقناع حضرت رئیس - جمهور آنچنان است که اکثر کشورهای آفریقا نظر معظم له را در مسائل سیاسی معتبر میدانند .

حضرت رئیس جمهور لیبریا ضمن تشکر از این هدیه ملت ایران یعنی تمثال مبارک شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو اظهار امیدواری کرد که روابط ایران و لیبریا گسترش یابد . و اینجانب هم علاقه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو را به توسعه روابط بین المللی و استحکام مبانی مودت و دوستی بین ایران و کشورهای دیگر را یادآور شدم و شمه ای از تدابیر اجتماعی شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو را در تجدید حیات اقتصادی و علمی و اجتماعی ایران بیان کردم .

مطبوعات لیبریا نیز تقدیم هدایا را از طرف اینجانب به حضرت رئیس جمهور و بانو متذکر شدند و ضیافتی بسیار مجلل با افتخار انتخاب این جانب و سایر نمایندگان اتحادیه بین المللی زنان حقوق دان ترتیب دادند .

تجلیل و پذیرائی دولت و مردم لیبریا از نمایندگان اتحادیه بین المللی زنان حقوق دان به اندازه ای بود که هر نماینده ای معرفی عواطف و احساسات عالی مردم این کشور را به کشور خود باید فرض ذمه خویش بشناسد .

در لیبریا قاضی و قانون بسیار محترم است و در تشریفات رسمی صف قضات مقامی ممتاز دارد .

۴- گزارش حقوقی

جاسات بحث و تحقیق کنگره شامل مطلب ذیل بود :

۱- حقوق بین الملل، مشکلات حقوق بین الملل، وظیفه سازمان ملل در ترویج حقوق

بین الملل، ایجاد يك محكمه بين المللی از طریق معاهدات چندجانبه برای رسیدگی به دعاوی بین المللی در سطحی پائین تر از سطح دیوان دادگستری لاهه، لزوم طرح و قبول قانون دادرسی اداری، منافع تأسیس طریقه امبودزمن (Ombudsmen) در دستگاه دولت، مسئولیت مانسبت بنسل آینده، محدود کردن موالید، استفاده از زنان عالم با انتصاب آنان بتصدی مشاغل دولتی و بین المللی، رهبری جدی صلح، قراردادهای نکاح، حمایت يك نواخت از اشخاص تحت تکفل، مهاجرت، تابعیت، کسب تابعیت، حق طفل در کسب تابعیت پدر طبیعی، حق طفل در مطالبه نفقه از پدر طبیعی یا دولتی که این پدر تابع آنست، نفقه اطفالی که نظامیان یا قوای صلح سازمان ملل در کشوری بوجود می آورند، حقوق تطبیقی اساسی و حقوق تطبیقی تجاری، حقوق جزا و قانون اطفال بزه کار و فوائد هیئت منصفه در دعاوی کیفری و مدنی.

هریک از نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه در باره مسائل حقوقی فوق تحقیقی جامع کرده بود و آن تحقیق را در مجمع عمومی در معرض بحث و انتقاد اعضاء اتحادیه میگذاشت و اتحادیه در پایان بحث تصمیمی نسبت بدان تحقیق می گرفت و این تصمیمات اگر جنبه ملی و بین المللی داشت از اعضاء اتحادیه تقاضا میکرد که این تصمیمات را به اطلاع دولت خود برسانند و به سازمان ملل نیز توصیه میکرد که نسبت به اجرای این تصمیمات به دولتهای عضو توصیه کند.

چنانکه می بینیم هر یک از مسائل مورد بحث اتحادیه جنبه ای ملی و بین المللی دارد. بسیاری از علمای حقوق پیشنهاد کرده اند که در مراجع قضائی بین المللی افراد هم در شرایطی حق اقامه دعوی داشته باشند و از جمله ایراداتی که بر این پیشنهاد گرفته اند تراکم و تراحم دعاوی است و راه حلی که اتحادیه برای این مشکل بین المللی پیشنهاد میکند ایجاد محكمه بین المللی است که صلاحیت رسیدگی بدعاوی کوچکتر داشته باشد.

البته بحث هر نماینده با آنکه جنبه تطبیقی دارد بیشتر ناظر به کشور خود اوست ولی باید گفت که بیشتر نمایندگان از مسائل حقوقی و تغییرات مهم قانونی کشورهای دیگر اطلاعی جامع داشتند و نماینده هر کشوری علمت پذیرفتن یا نپذیرفتن طرح قانونی را در کشور خود توجیه میکرد و چون جلسه بحث و انتقاد بود گاهی نیز ناگزیر میشد که به ایرادات نمایندگان دیگر پاسخ دهد.

با افزایش روز افزون سلاح های هسته ای خطر جنگ دیگر تنها متوجه این کشور و یا آن کشور جنگجو نیست بلکه نسل بشری با این سلاح در معرض هلاکت افتاده است. یکی از وظایف

سازمان ملل حفظ صلح و ممانعت از بروز یا بقای جنگ است. اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان یکی از مسائل بحث خود را رهبری جدی صلح قرار داده است. راست است که امروز در همین جنگ‌های محلی زنان نیز در صف اول جبهه جنگ شرکت دارند ولی باید اذعان کرد که زنان همیشه در حفظ صلح سعی بلیغ کرده‌اند و بزرگترین پرستار مجروحان جنگ از میان زنان بر خاسته است و تدبیر و مساعدت بین‌المللی زنان برای ممانعت از وقوع جنگ بیش از تدابیر مردان مؤثر می‌افتد.

تحول سریع علم و روابط تولید صنعتی و اقتصادی سبب شده است که دیگر اطلاع از حقوق یک کشور برای قاضی یا حقوق‌دان آن کشور کافی نباشد، قانون هر کشوری امروز تا حدی برای قاضی آن کشور اجرای قانون کشور دیگر را لازم می‌داند مثلاً در قانون مدنی ایران در احوال شخصیه قاضی ایرانی ناگزیر است که بر حسب مورد مطابق قانون فرانسه یا آلمان یا آمریکا رأی دهد و بدیهی است که اگر اطلاعاتی از قانون بیگانه نداشته باشد هرگز نمیتواند مطابق آن قانون رأی دهد. توسعه علم حقوق، این اطلاع را در سطحی لازم می‌داند که معادل سطح اطلاع حقوق‌دانان همان کشور باشد. در نتیجه برای قاضی مسئله‌ای علمی و بسیار مهم پیش آمده، قاضی باید نه تنها علم اجمالی بلکه علمی تفصیلی بحقوق کشورهای دیگر داشته باشد البته این کار با توجه بقدرت فکری و استنباطی بشرچندان دشوار نیست ولی مستلزم تلاشی پی‌گیر است.

حقوق تطبیقی به معنی جدید کلمه یکی از وسائل این تلاش و محرک آن بشمار می‌آید. اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان با تحقیقات تطبیقی خود هر اندازه هم که جنبه داخلی و ملی این تحقیقات بر جنبه بین‌المللی آن برتری داشته باشد باز هم وسائل کار قاضی را فراهم می‌آورد. تحقیق ۶۴ کشور عضو اتحادیه از حقوق کشور های خود بهترین مدارک مطالعه حقوق تطبیقی است.

۲ - حقوق داخلی

خانواده بنیاد اجتماع است استحکام روابط خانواه و صیانت اطفال از تربیت و تعلیم نامتناسب یکی از مسائل مهم مورد بحث اتحادیه بوده است. طلاق و نکاح و دور داشتن اطفال از محیط جرم‌زا و درمان اطفال مجرم از مسائلی بوده است که اتحادیه در باره آنها تصمیماتی گرفته است. از نظر عاطفی و روانشناسی شاید بهترین مرجع علمی و تحقیقی برای این مسائل همین اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان باشد. حقوق اداری و حقوق عمومی و حقوق اساسی و ظارت در دستگاه دولت و رفع تبعیض نژادی و جنسی همه مورد توجه اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان است.

رئیس بین‌المللی اتحادیه گذشته از سمت اداری خود باید هم‌کمیته‌های تحقیقاتی و هم (از میان اعضای اتحادیه) اعضاء هر يك از این کمیته‌ها را تعیین کند.

کمیته‌ای که مثلاً برای تحقیق در مشکلات حقوق اداری یا مشکلات حقوق خانواده تشکیل میشود ممکن است از نمایندگان سه یا چهار کشور مرکب باشد که فاصله مکانی نسبتاً بعید بایکدیگر دارند ولی این فاصله هر اندازه زیاد باشد اشتراك در هدف و علاقه به مسئله مورد بحث دلها و فکرها را بهم نزدیک میکند. اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان گذشته از آنکه يك مرکز تحقیقی حقوقی است يك مرجع بین‌المللی اتحاد و مودت است و رهبری این اتحادیه که در درجه اول با رئیس آن است وظیفه‌ای بسیار خطیر بشمار می‌آید و به همین علت هم اعضاء اتحادیه برای انتخاب رئیس شاید بیش از دوسال مشورت و تأمل میکنند.

اینک خلاصه تصمیمات :

۱- در مورد طلاق و اطفال و خانواده و حمایت زن.

اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان به همه کشورهای عضو توصیه میکند که قوانینی بگذارند که بموجب آن هر گاه مساعی توأم با حسن نیت در اصلاح بین زوجین بجائی نرسد نکاح منحل شود و این قوانین باید نسبت به نفقه و تعلیم و تربیت صغار متولد از نکاح مقرراتی در نظر بگیرند.

اتحادیه به همه کشورهای عضو توصیه میکند که حق طفل را بداشتن تابعیت پدر طبیعی خود بشناسند.

اتحادیه به همه کشورهای عضو توصیه میکند که اطلاعات مربوط به برنامه ریزی خانواده را مجاناً در اختیار خانواده‌ها بگذارند و یا اگر برنامه‌ای مناسب در این باره وجود دارد از آن حمایت کنند.

اتحادیه توصیه میکند در کلیه رشته‌های فعالیت بشری زنان نیز بدون تبعیض به مشاغلی متناسب با معلومات و استعداد خود گماشته شوند.

اتحادیه توصیه میکند قانونی بگذارند که بموجب آن هر گاه پدری تغییر تابعیت دهد فرزندان صغیر او که قبل از این تغییر تابعیت متولد شده‌اند و همچنین زن او بدون رضای او بتوانند تابعیت او را بپذیرند و بکشوری که وی بدانجا رفته برای اقامت سفر کنند.

اتحادیه توصیه میکند که قوانینی بگذارند که بموجب آن :

- ۱ - پدر طبیعی ملزم بتأدیه نفقه فرزند طبیعی خود باشد.
- ۲ - اگر پدر طبیعی بعلت عجز جسمی یا عقلی نواند نفقه طفل طبیعی را بپردازد دولت متبوع او تأدیه این نفقه را بعهده بگیرد.

۳ - اگر پدر طبیعی در کشوری غیر از کشور فرزند طبیعی خود بسر میبرد از طریق

دستگاه‌های بین‌المللی نفقه فرزند خود را پردازد و اگر عجز جسمی و عقلی او مانع این کار است دولت متبوع او تأدیه نفقه را بعهده بگیرد .

۴- اگر پدر طبیعی تابع کشوری غیر از کشور فرزند طبیعی است و یا پدر طبیعی عضو قوای صلح سازمان ملل است باید نفقه فرزند خود را پردازد و اگر بعلمت عجز جسمی و یا عقلی از عهده این کار بر نمی‌آید به نسبتی معقول سازمان ملل و کشور متبوع پدر و کشور متبوع طفل این نفقه را پردازند.

اتحادیه توصیه می‌کند که کشورهای عضو قانونی بگذارند که بموجب آن هر گاه متوفی فرزندی بجای گذارد که عده‌ای از آنان صغیر و عده‌ای کبیر باشند سهمی از میراث متناسب با حد متوسط مبلغی که برای تعلیم و تربیت هر کبیری بکار رفته ضرب در تعداد اطفال صغیر (با رعایت اختلاف سن آنان نسبت بیکدیگر) برای تعلیم آن اطفال کنار بگذارند و میراث را (اگر چیزی باقی بماند) مطابق قانون میان وراثت تقسیم کنند.

۲- تصیمات اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان در مورد حقوق بین‌الملل و روابط بین‌المللی

اتحادیه توصیه می‌کند که دولتهای عضو سازمان ملل کلیه اختلافات خود را که تا کنون حل نشده است بمحکمه بین‌المللی رجوع کنند.

توسعه روزافزون قراردادهای بازرگانی و استفاده از منابع طبیعی و توسعه اقتصاد و مساعدت، که دولتها بایکدیگر منعقد میکنند خواه ناخواه مسائلی بوجود می‌آورد که روابط دوستانه و صلح را بخطر می‌اندازد. اتحادیه با توجه بدین حقیقت توصیه می‌کند که تحقیقاتی جامع درمبانی و محتوی این قراردادها بعمل آید و بر اساس این تحقیقات در هر يك از این قراردادها موادی گنجانده شود که مسائل ذیل را پیش بینی کند. البته این مسائل از مسائلی است که ممکن است منتهی باختلاف بین‌المللی شود:

۱- انتخاب محکمه‌ای که صلاحیت رسیدگی بمسائل تفسیر و اجرای قرارداد را داشته باشد.

۲- انتخاب پولی که باید وسیله اجرای قرارداد باشد و تعیین طرق حل مسائلی که در زمینه تنزل یا تجدید نظر در ارزش این پول بمیان می‌آید .

۳- تعیین نحوه رسیدگی قضائی یا نحوه رسیدگی داور برای دعوی ناشی از قرارداد و برای اجرای احکام داور یا قاضی.

اتحادیه باعضاء رابط خود دستور میدهد که این تصیمات را با اطلاع سازمان ملل متحد برسانند.

اتحادیه که بر اثر گزارش اعضاء رابط خود از میزان تولید سازمان برنامه غذایی

جهان باخبر شده است، توصیه میکنند که شرکت کنندگان در این کنگره از دولتهای خود یا سازمانهای تولید مواد غذایی بخواهند که به اهمیتی که سازمان برنامه غذایی جهان در سطح بین المللی مساعدت غذایی میتواند داشته باشد توجه کنند و از دولتهای عضو سازمان ملل و اعضاء وابسته سازمان خواربار و کشاورزی بخواهند که برای وصول به هدف این برنامه از بذل کمال مساعدت در بیخ نوزند و اگر ممکن باشد نماینده اتحادیه را در کنفرانس سازمان ملل متحد که در این باره تشکیل میشود بپذیرند. این کنفرانس در ۱۹۶۷ در نیویورک تشکیل مییابد و دبیر کل سازمان ملل متحد با همکاری مدیر کل سازمان خواربار و کشاورزی اعضاء آنرا دعوت خواهد کرد.

۳- تصمیمات اتحادیه بین المللی زنان حقوق دان درباره حقوق اداری

اتحادیه توصیه میکند که همه اعضاء در کشورهای خود در مورد تأسیس طریقه امبودزمن تحقیق کنند و نسبت بلزوم یا عدم لزوم تأسیس آن در کشور خود اظهار نظر کنند و توصیه میکند که هر گاه تحقیق آنان بدین نتیجه منتهی شود که تأسیس طریقه امبودزمن مفید است بدولت خود لزوم تأسیس آنرا توصیه کنند.

این تصمیمات که خلاصه آنها را در این گزارش نقل کردیم مبتنی بر تحقیقات عمیق و گزارشهای جامع اعضاء اتحادیه است. گزارش یکی از نمایندگان نیدرلاندی که بوط به حقوق اداری بود. وی در این گزارش تاریخ پیدایش طریقه امبودزمن را در اروپا شرح داده بود. کار امبودزمن نظارت در حسن اداره کارهای دولتی است، و مرجع شکایاتی نیز از اعمال اداری کارمندان دولت بشمار میآید در عین حال که نظر مشاوران این طریقه مشورتی است. نماینده نیدرلاندی طریقه امبودزمن را با شورای دولتی فرانسه مقایسه کرده بود و در پایان مقال خود، درباره لزوم و یا عدم لزوم آن در کشور خود بیبحث پرداخته بود و خلاصه بحثی بسیار جامع و دقیق بود.

کنگره اتحادیه بین المللی زنان حقوق دان در سال ۱۹۶۹ در تهران تشکیل مییابد معمولاً دولت متبوع رئیس اتحادیه برای تشکیل کنگره در کشور خود دعوت میکند و تاکنون هم دولتهای متبوع اعضاء اتحادیه از ایب رویه پیروی کرده اند. کنگره سال ۱۹۶۴ در هندوستان بود که دولت هند صمیمانه از اتحادیه دعوت کرد و این کنگره اخیر هم بدعوت دولت لیبریا بود که دولت دعوت کننده از شرایط دعوت و ایفای آن دقیقه ای فرو نگذاشت و بقول (خانم بیکس بی) رئیس کمیته مهمان داری اتحادیه، باید به لیبریا آمد تا از دعوت و مهمان داری باخبر شد و دولتهای قبلی هم تاکنون همه شرایط دعوت را بجا آورده اند.

انتخاب اینجانب بریاست اتحادیه بین المللی زنان حقوق دان با اتفاق آراء بود، انتظار

همه این بود که دولت ایران توسط اینجانب اتحادیه را برای سال ۱۹۶۹ یعنی دو سال دیگر به ایران دعوت کرده باشد در برابر آن لطف اعضاء اتحادیه که اینجانب را با اتفاق آراء انتخاب کرده بودند و این انتظار به حق ولی بی جواب ، جز تأثر چاره‌ای نبود و با اینحال چون اساسنامه اتحادیه مقرر میدارد که کنگره باید در کشور متبوع رئیس اتحادیه تشکیل یابد کنگره آینده اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان در یکی از مؤسسات خصوصی ایران تشکیل خواهد یافت . و بقول شاهر اصفهان ما : وزاهد ار ره ندهد خانه خماری هست .

حقوق طفل طبیعی

منرویا دوشنبه ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۷ (۲ مرداد ۱۳۴۶)

نطق خانم سنا توردکتر منوچهریان رئیس اتحادیه زنان حقوق‌دان ایران و نایب رئیس اول اتحادیه بین‌المللی زنان حقوق‌دان در مجمع عمومی اتحادیه بین‌المللی .

همکاران ارجمند

تفسیر هر چه دقیق تر مواد اعلامیه جهانی حقوق بشریه مجامع حقوقی فرصت میدهد که پیشنهادات و توصیه‌هایی در زمینه بهبود وضع اجتماعی به جوامع و دولت‌ها تقدیم دارند . من در این جلسه راجع به بعضی حقوق طفل طبیعی که موجودی بیگناه و در عصر ما متأسفانه دستخوش مظالم ناشی از آداب و رسوم و بی‌توجهی قوانین به اعلامیه جهانی حقوق بشر است در سه قسمت بحث میکنم .

۱ - حق طفل در کسب تابعیت پدر طبیعی خود

اعلامیه حقوق کودک که میتوان آنرا متمم اعلامیه جهانی حقوق بشر دانست جامعه را مکلف میکند که وسائل پرورش جسمی و روحی کودک را فراهم آورد . این پرورش جسمی و روحی بدون وجود حقوقی برای طفل مقدور نیست و حق طفل به داشتن تابعیت یکی از این حقوق است . رویه مرفه‌دوای برای تعیین تابعیت طفل یا تعلق تابعیت به‌وی در حقوق کشورها وجود دارد که یکی اصل خاک است و دیگری اصل خون . مطابق اصل خاک هر کودکی که در قلمرو یک کشور بدنیا آید تابعیت آن کشور به‌وی تعلق میگیرد و مطابق اصل خون هر کس از پدر یا مادری بزاید که تابع دولتی باشد تابع آن دولت شناخته میشود . هیچ کشوری بتنهائی یکی از این دواصل را نپذیرفته و قانون هر کشور تلفیقی از این دواصل است .

اصل خون که همان نسبت باشد به فرزند حق میدهد که تابعیت پدر یا مادر خود را داشته باشد .

در اصطلاح حقوق نسب قانونی با نسب طبیعی تفاوت دارد . بدیهی است هر نسب قانونی نسب طبیعی است ولی هر نسب طبیعی نسب قانونی نیست . فلسفه این تفاوت بمقاید اجتماعی و آداب و سنن هر ملتی بستگی دارد . ولی با پذیرفتن اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق کودک میتوان گفت که همه کشورهای جهان یا الاقل کشورهای که این دو اعلامیه را پذیرفته اند برای کودک خواه مولود نسب قانونی باشد خواه مولود نسب طبیعی حق داشتن تابعیت را شناخته اند .

مطابق اصل خاک هر کودکی که در کشوری بدنیا آید تابعیت آن کشور را دارا میشود . پس اگر پدر و مادر هر دو تابع کشور زادگاه طفل باشند تا بعیت پدر خواه طبیعی باشد خواه قانونی به طفل تعلق میگیرد . اشکال قضیه در جایی است که طفل در کشوری بدنیا میآید که پدر طبیعی او تابع آن کشور نیست . در این مورد مسئله از سه نظر قابل بحث است . یکی از نظر طفل و دیگری از نظر قانون کشور متبوع پدر و سومی از نظر سیر تکاملی جوامع بشری .

بدیهی است که طفل نسب قانونی و نسب طبیعی نمیشناسد او همینکه دیده بجهان میگشاید و صاحب عقل و ادراک کودکانه میشود خود را از کودکان دیگر که نسبت قانونی دارند جدا نمیداند او هم مانند همان کودکان زن و مردی که او را بوجود آورده اند پدر و مادر خود میشناسد . این احساس طفل یعنی احساس برابری با اطفال دیگر احساسی مقدس و محترم است و لازمه پرورش جسمی و روحی طفل بشمار میآید . این احساس برابری خواه و ناخواه بر اثر آشنائی طفل با سنن و قوانین جامعه تغییر می یابد در این مرحله است که مسئله نسب طبیعی از نظر قانون کشور متبوع پدر مطرح میشود .

هر جامعه ای برای دفاع از مفاهیم اخلاقی خود قواعدی دارد که برای عدم رعایت آن قواعد کیفری قائل شده است تفاوت ناشی از نسب قانونی و نسب طبیعی یکی از کیفرهای جامعه برای عدم رعایت قواعد اخلاقی جامعه است . ولی بحکم آیه از قرآن کریم که میگوید لا تزر وازرة وزر اخری فرزند طبیعی مطلقاً گناهی ندارد . اگر پدر و مادر او بحریم محرمات اجتماعی تجاوزی کرده اند و از این تجاوز او که در واقع مجنی علیه یا علیهای جرم پدر و مادر است بوجود آمده است جامعه نباید مجازات را بر او تحمیل کند .

تابعیت اصولاً رابطه ای است معنوی که فرد را بکشوری مربوط میکند و بعلت همین رابطه قوانین آن کشور باید از این فرد در داخل و خارج کشور حمایت کند . در اینجا بحث حق کسب تابعیت پدر طبیعی برای فرزند طبیعی از دو نظر به میان میآید .
یکی از نظر عاطفی و دیگری از نظر مزایای اجتماعی .

فرزند طبیعی به مناسبت همان احساس و عاطفه ناشی از نسب ممکن است بکشور پدر خود علاقه پیدا کند در این صورت باید جامعه بدین علاقه طبیعی و مشروع جواب مثبت دهد. از نظر مزایای اجتماعی نیز گاهی پیش می آید که کشور پدر طبیعی از کشور زادگاه طفل طبیعی غنی تر و مرفه تر است محروم گذاشتن فرزند طبیعی از این مزایا نوعی هم آهنگی با تعدی قوی به ضعیف و مخالف مواد اول و (بند يك از ماده) دوم و سوم و پنجم و ششم و (بند ۲ از ماده) پانزدهم و (بند ۲ از ماده) بیست و پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصل اول و دوم و سوم اعلامیه حقوق کودک است.

از نظر سیر تکامل حقوقی که اعلامیه جهانی حقوق بشر مرحله ای از آنست تفاوت بین فرزند قانونی و طبیعی معقول نیست. با قبول این اعلامیه مینوان گفت که کشورها برای اخلاق و قواعد حقوقی خود مبنائی دیگر قائل شده اند. طفل طبیعی (برای طبیعی بودن خود) هیچ جرمی نکرده است و چون هیچ جرمی نکرده است نباید خود او هیچ مجازاتی به بیند. در صورتیکه محروم کردن او از کسب تابعیت پدر طبیعی مجازاتی است که زیان آن فقط به طفل طبیعی میرسد.

تا اواخر قرن ۱۹ حقوق بعضی از کشورها شناسائی فرزند طبیعی را اجازه نمیداد ولی امروزه تنها شناسائی فرزند طبیعی مجاز است بلکه بسیاری از کشورها بدون توجه به نسب قانونی پدر و مادر طبیعی را به تأدیه نفقه فرزند طبیعی ملزم میکنند و گاهی نیز خود دولت کشور متوقف فیهای طفل طبیعی نفقه و تعلیم و تربیت طفل طبیعی را به عهده میگیرد. البته هیچ جامعه و دولتی نباید مبنائی نکاح قانونی را متزلزل کند ولی وقتی که جامعه با بشری بیگناه و بی ملجاء و پناه و محتاج تعلیم و تربیت روبرو میشود نباید از حمایت او سر باز زند. چه او نیز عضو آن جامعه است.

طرح پیشنهادی

نظر باینکه مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق کودک کسب تابعیت پدر طبیعی به پرورش روحی و جسمی طفل طبیعی مساعدت میکند و فراهم آوردن وسایل این پرورش وظیفه هر جامعه ای است اتحادیه بین المللی زنان حقوق دان به کلیه سازمانهای وابسته به اتحادیه پیشنهاد میکند که کوشش کنند در قوانین کشورهای متبوع آنها حق طفل طبیعی به کسب تابعیت پدر طبیعی منظور شود.

۴- حق طفل به دریافت نفقه از پدر طبیعی خود یا از دولتی که پدر

تابع آنست

فرضیه مسئولیت در جهان امروز بر دو قاعده مهم استوار است. مسئولیت ناشی از تقصیر و مسئولیت ناشی از مخاطره (ریسک). هنگامی که سیر تکاملی حقوقی در کشورهای جهان این

دوقاعده رامی پذیرد آثار ناشی از این دوقاعده نباید با اشکالی روبرو شود . بدیهی است هر کشوری برای صیانت وجود و تأمین ترقی خود قوانینی وضع میکند و ناگزیر نیست که کلیه نتایج منطقی يك قانون را بپذیرد . ولی حق طفل طبیعی به نفقه از حقوقی است که از فرضیه مسئولیت ناشی شده و با تعهدات اخلاقی و اجتماعی هیچ کشوری مغایر نیست ، روزگاری بود که بقا و فنای طفل خواه قانونی و خواه طبیعی به اراده پدر یا مادر خانواده او تعلق داشت و روزگاری هم بود که بقا یا فنای افراد بالغ به اراده دولت‌ها تعلق داشت . ولی اعلامیه جهانی حقوق بشر این دوره‌های سیاه را پشت سر گذاشته است و همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد قبول دارند که هر فردی همینکه دیده بجهان هستی می‌گشاید باید از همه حقوق بشری برخوردار باشد .

اولین حق طفل نوزاد همان حق حیات است و استفاده از این حق بدون نفقه امکان ندارد نتیجه منطقی فرضیه مسئولیت این است که آنکه در وهله اول مسئول وجود این طفل بوده است باید نفقه او را بپردازد . این قاعده را بسیاری از کشورهای جهان پذیرفته‌اند . البته اگر پدر طفل طبیعی نتواند از عهده نفقه فرزند خود برآید مؤسسات عمومی یا خصوصی نفقه آن طفل را بعهده بگیرند . مشکل هنگامی بمیان می‌آید که پدر طبیعی تابع و حتی مقیم کشوری غیر از کشور زادگاه طفل طبیعی است . در اینجا اولاً باید نسب طفل ثابت شود و رسیدگی به دعوی نسب با محکمه مدنی است و ثانیاً دولت متبوع پدر طبیعی باید حکم این محکمه را در صورتیکه مغایر با اصول تمدن و قوانین آن کشور نباشد اجراء کند و پدر طبیعی را به تأدیه نفقه فرزند طبیعی ملزم سازد و در صورتیکه پدر طبیعی قادر به تأدیه نفقه فرزند خود نباشد دولت متبوع او نفقه آن فرزند را بپردازد . تعهد دولت متبوع پدر طبیعی بتأدیه نفقه طفل طبیعی ناشی از فرضیه مسئولیت است . همچنانکه دولت متبوع این پدر از خدمات اجتماعی و علمی این پدر بهره میبرد باید خطرات ناشی از اعمال او را نیز تدارک کند و طفل طبیعی یکی از خطرات ناشی از اعمال پدر طبیعی است .

در دعوی نفقه اساساً میتوان نسب را از الزام به تأدیه نفقه جدا کرد و چون در هر حال هر فردی و هر دولتی موظف است که خطرات ناشی از اعمال خود یا اتباع خود را تدارک کند حق طفل به دریافت نفقه از پدر طبیعی خود یا دولت متبوع آن پدر باید حقی مسلم شناخته شود .

طرح پیشنهادی

نظر باینکه طفل طبیعی بموجب اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق کودک حق حیات دارد و استفاده از این حق بدون نفقه امکان پذیر نیست اتحادیه بین‌المللی زنان حقوقدان بکلیه سازمان‌های وابسته با اتحادیه پیشنهاد میکند کوشش کنند که در قوانین کشورهای متبوع آنها حق طفل طبیعی به دریافت نفقه از پدر طبیعی منظور شود و در صورت عدم تمکن پدر طبیعی

دولت متبوع پدر طبیعی نفقه طفل طبیعی را (که محکمه کشور زادگاه طفل طبیعی حکم انتساب او را به پدر طبیعی صادر کرده است) پردازد .

۳- فرزندانیکه سر بازان یا نیروی صلح سازمان ملل متحد در کشور محل مأموریت خود بوجود میآورند .

گاهی پیش میآید که سازمان ملل برای حفظ صلح در منطقه ای نیروئی بدان منطقه می فرستد . افراد نیروئی که سازمان ملل بکشوری میفرستد معمولاً اهل آن کشور نیستند . از نظر سازمان ملل نمیتوان این کشور را بیگانه نامید . سازمان ملل بر اثر منشور ملل متحد بوجود آمده و کشورهای عضو این سازمان نسبت بدین سازمان کشوری بیگانه نیستند و سر بازی که سازمان ملل بکشوری میفرستد اگر چه تابع این کشور نباشد از نظر حقوق بین الملل عمومی نمیتوان او را نسبت بدین کشور بیگانه نامید . این سر باز تقریباً نسبت به سه واحد بین الملل تهنهاتی دارد . یکی نسبت بسازمان ملل و دیگری نسبت به کشور متبوع خود و سومی نسبت به کشور محل مأموریت خود . فرضیه مسئولیت حقوق مدنی را نمیتوان کاملاً در مورد فعالیت این سر باز صادق دانست زیرا در حقوق مدنی هنگامیکه کارگری با استخدام کارفرما در آید آن کارفرما مسئول خطای ناشی از حرفه آن کارگر است . در حقوق مدنی تابعیت کارگر و کارفرما غالباً هر دو یکی است و کارگر نسبت به دولت دیگر تعهدی ندارد ولی سر باز سازمان با آنکه از نظر تعهد کشور خود در اختیار سازمان ملل در آمده است تابعیت خود را نسبت بکشور اصلی خویش از دست نداده و دولت پذیره این سر باز هم نسبت به سازمان ملل تعهدی دارد و روی هم رفته سه واحد بین المللی را میتواند با توجه به فرضیه مسئولیت ناشی از خطا و فرضیه مسئولیت ناشی از خطر فعالیت مسئول نفقه و تربیت فرزندی دانست که از این سر باز در کشوری بیگانه بوجود میآید فرزند این سر باز یا قانونی است یا طبیعی . بدیهی است که اگر فرزند قانونی باشد هزینه تربیت و تعلیم او بر طبق کشور سر باز یا کشور مادر بایکی از این دو یا با هر دو است اگر فرزند طبیعی باشد در وهله اول بر طبق قانون مسئولیت مدنی و ضمان قهری پدر و مادر هر دو باید مسئول تربیت و تعلیم او شناخته شوند و اگر پدر و مادر از عهده اینکار بر نیایند و یا دسترسی بآنها نباشد بهتر آنست که هر سه واحد بین المللی مسئول تربیت و تعلیم طفل شناخته شوند .